

حسن همجواری و همزیستی اجتماعی - اخلاقی مسلمانان با زرتشتیان

فاطمه تیموری*، دکتر مهناز فرهمند، ضیاء امیر محمدی

گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: 95/10/5، تاریخ پذیرش: 95/12/25)

چکیده

زمینه: یکی از نیازهای ذاتی انسان برقراری ارتباط با دیگران است و از آنجا که انسان‌ها به لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی و... دارای تفاوت‌های عمیقی هستند، تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه جویی، وجود مدارا و تساهل اخلاقی بین ایشان است، هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان در شهر یزد می‌باشد.

روش: تحقیق حاضر کاربردی و از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری همه افراد 16 سال به بالای ساکن شهر یزد که مسلمان هستند می‌باشد. نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران 384 نفر برآورد شد. نمونه‌گیری پژوهش از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود و ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. به منظور تجزیه و تحلیل فرضیات از آزمون همبستگی پیرسون و تی تک نمونه‌ای استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که، مدارای سیاسی و اخلاقی با بعد اجتماعی رضایت از زندگی رابطه معنی‌داری دارند. درحالی‌که متغیرهای سن و جنسیت فاقد رابطه معنادار با مدارای اجتماعی هستند. همین‌طور در بعد اخلاقی نیز افراد در طبقات و منزلت بالاتر نسبت به طبقات متوسط و پایین‌تر از مدارای بیشتری برخوردارند و این اختلاف به لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری: پاسخگویان از نظر مدارای اخلاقی و اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند. وجود مدارا و اخلاق اجتماعی موجب افزایش همبستگی و اتحاد بین مسلمانان و زرتشتیان می‌شود که در پی آن تساهل اخلاقی و رفتار مسالمت‌آمیز بین افراد شکل می‌گیرد.

کلیدواژگان: مدارا، اخلاق اجتماعی، روابط مسالمت‌آمیز، مسلمانان، زرتشتیان

سرآغاز

و هنجارهای اجتماعی هستند، اخلاق مجموعه‌ای از اصول و قواعد رفتاری است که به گونه‌ای داوطلبانه از سوی فرد پذیرفته می‌شوند و با درونی شدن در وجود او، نوع نگرش فرد به جامعه و دیگر انسان‌ها را تعیین می‌کند و باعث بروز رفتارهای اخلاقی می‌گردند و در صورت سرپیچی از این اصول و قواعد احساس شرمساری در وجدان فرد پدیدار می‌شود(3). به‌طور کلی اخلاقیات مسئله‌ای بنیادی در وجود هر فرد است(4). بحران اخلاقی فقط به فضای کسب و کار محدود نمی‌شود و معضل اخلاقی یکی از پدیده‌هایی است که جامعه ایرانی در یک قرن گذشته با آن مواجه بوده است که تبعات آن می‌تواند به ضعف التزام اخلاقی و هنجاری در روابط اجتماعی اشاره کرد(5). اخلاق به‌صورتی در حال گسترش می‌باشد که روابط بین انسان و محیط را نیز شامل می‌شود(6). فرهنگ و اخلاق برای هر امری یک موضوع مهم تلقی می‌شود(7). با توجه به اینکه اکثر جوامع از یک سنت دینی قوی برخوردارند، یکی از عواملی که می‌تواند در نهادینه کردن سنت مدارا در

تشابه و تفاوت، دو ارزش بزرگ انسانی به‌شمار می‌رود. تشابه به زندگی ثبات و امنیت می‌بخشد و تفاوت ماجراجویی و پیشرفت می‌بخشد، با این وجود انسان‌ها در طول زندگی روزمره خود، پیوسته در معرض تکانه حاصل از تفاوت قرار دارند(1). باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه‌ای با یکدیگر متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و اگر قرار باشد بیشتر آنها اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی غیرممکن خواهد شد. بنابراین در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر، مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود. برخی صاحب‌نظران بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی یا سیاسی یا مذهبی داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل و رعایت اخلاق اجتماعی¹ امری ضروری خواهد بود(2). اخلاق اجتماعی حوزه‌ای از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می‌دهد که شامل عقاید، ارزش‌ها

* نویسنده مسؤول؛ نشانی الکترونیکی: Roya.raha33@yahoo.com



از جمله متغیرهایی که در این تحقیق سنجیده شده اند، وفاق اجتماعی⁶، مشارکت اجتماعی، رضایت از زندگی⁷ و تعلق درون مذهبی⁸ می باشد که در زیر مختصراً به آنها اشاره می شود. وفاق اجتماعی: نظم اجتماعی بر نوعی وفاق اجتماعی استوار است و پیوستگی های عاطفی و اخلاقی سازنده بنیان پیش عقلانی، وفاق اجتماعی و قواعد اجتماعی هستند. به این ترتیب میدان تعاملی که در آن احساسات مثبت افراد نسبت به یکدیگر شکل می گیرد، زمینه ساز تشکیل ما و همزمان با آن موجب ایجاد وفاق در افراد خواهد شد. برخی صاحب نظران احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می آید، عاطفه جمعی⁹ می نامد (14). عاطفه جمعی ناشی از مناسک جمعی است که نوعی غرور جمعی به وجود می آورد که در آن کنشگران منافع خود و دیگران رایکی دیده و خود را متعلق به جمع و جمع را از آن خود می دانند. مسلمانان و زرتشتیان نیز به عنوان کنشگران اجتماعی که در واحدی یکسان زندگی می کنند به وفاق اجتماعی و پیوستگی های عاطفی و اخلاقی نیاز دارند که در تحقیق به آن پرداخته شده است.

از متغیرهای دیگری که رابطه آن با مدارا و اخلاق اجتماعی سنجیده شده است، مشارکت اجتماعی¹⁰ می باشد. بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی¹¹ در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (15). رضایت از زندگی نیز متغیر دیگری می باشد که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، جامعه به وجود آورنده شرایطی است که می تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزند (16). همه اقلیت های دینی به نوعی دارای تعلق مذهبی می باشند به این معنای که افراد نوعی تعهد و پایبندی به اصول اعتقادی و اخلاقی و مذهبی خود دارند، محقق در این تحقیق رابطه این متغیر با مدارا و اخلاق اجتماعی¹² را نیز سنجیده است. مدارا از جمله مفاهیمی است که در مطالعات تجربی و میدانی به ویژه در رشته جامعه شناسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این کاستی در عرصه تحقیقات به ویژه در داخل ایران به وضوح قابل پیگیری است. با این وجود بامروری بر مقالات و کتب می توان برخی از مهمترین متغیرهای مرتبط با آن را یافت. در اینجا به برخی از تحقیقات داخلی و خارجی اشاره می شود.

برخی محققان و پژوهشگران مدارا را به معنای به رسمیت شناختن دیگری دانسته (1). محققین دیگری در مقاله ای به تحلیل ارتباط بین سرمایه اجتماعی¹³ و انواع مدارا پرداخته اند. نتایج این تحقیق گویای این است که بین مشارکت رسمی و غیررسمی با مدارا رابطه مثبت و معنی داری مشاهده شده است (17). برخی محققان در مقاله دیگری به گونه شناسی مدارا و سنجش آن پرداخته اند و براساس تقسیم بندی برخی محققان به بررسی سه نوع مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی رفتاری پرداخته اند. بدین ترتیب که با افزایش مقطع تحصیلی افراد

جامعه نقش عمده ای ایفا کند، نحوه برخورد دینداران با تنوعات موجود در زندگی اجتماعی است. در واقع دین، هنجارها و قواعدی را برای معتقداتش تجویز می کند که در اعمال و رفتار آنها در مناسبات روزانه و از جمله در مدارا با کسانی که مورد قبول فرد دیندار نیستند، تاثیرگذار است (8). در جامعه ایران، مذهب با وجود فراز و نشیب هایی که در طول تاریخ داشته، همواره یکی از نهادهای پرنفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی بوده است (9). با گسترش جهان عقل محور مدرن منابع نیل به حقیقت متکثر شد، اما با توجه به ریشه دار بودن اندیشه حقیقت مطلق، در سطح فردی نه تنها هر کس اندیشه خود را بهترین اندیشه می داند بلکه حاضر به شنیدن آراء و نظرات دیگران نیست، چه رسد به اینکه آن ها را برخوردار از حقوق اجتماعی مساوی خود بداند (10). انسان اندیشه ورز در طول تاریخ به دنبال راهی بوده است که با وجود این همه تنوع و کثرت عقاید و آراء، انسان ها به وسیله آن به صورت مسالمت آمیز در کنار هم زیست کنند (11). و ضمن احترام به حقیقت مورد نظر دیگران، حقیقت مورد نظر خود را هم حفظ کنند. مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی و اخلاقی امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه هایی را فراهم می کند که دیدگاه های متفاوتی دارند و با روش های متفاوت در جامعه ای واحد زندگی می کنند (12). تساهل اخلاقی² در معنای غربی آن عبارت است از عدم دخالت و جلوگیری از باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه های مختلف و محترم دانستن این باورها و رفتارها. مبنای اصلی تساهل اخلاقی، نسبیت گرایی اخلاقی است (13). بنابراین تعاریف، ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند براساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعت از آن، مورد قبول نباشد، لازمه مدارا بودن این است که پذیرفته شدن افراد بشر در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش هایشان متفاوت هستند. مدارا هم در رفتار، و هم در کردار افراد، ظاهر می شود، بنابراین نوعی نگرش و الگویی از کنش احترام آمیز نسبت به افراد، گروه ها و عقاید و اعمال آنها و نیز موضوعاتی است که مورد تأیید و پسند فرد نیست (9). در زبان انگلیسی، کلمه مدارا³ به عنوان نوعی الگوی رفتاری یا فضیلت اخلاقی⁴ از تساهل ورزی به عنوان کنش قانونی و اجتماعی تفکیک واضح تری یافته است (13). با توجه به تعاریف ارائه شده از مفهوم مدارا و تقسیم بندی های ارائه شده از این مفهوم مسئله مدارای اجتماعی در میان زرتشتیان و مسلمانان بیشتر در ردیف مدارای هویتی و مذهبی جای دارد، زیرا مسلمانان و زرتشتیان با داشتن دین متفاوت در کنار یکدیگر در این شهر زندگی می کنند. در جامعه ایران اقلیت های دینی زیادی زندگی می کنند، یکی از اقلیت های دینی که پیروان زیادی در ایران دارد زرتشتیان می باشند، با توجه به اینکه شهر یزد مرکز زرتشتیان ایران است محقق در این تحقیق درصدد بررسی مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان می باشد، یکی از مفاهیمی عمده ای که در مبحث مدارا مطرح است، مدارای اخلاقی است، در واقع مدارای اخلاقی⁵ زیربنای مدارای اجتماعی است که در این تحقیق برای سنجش مدارا از سه بعد مدارای اجتماعی، مدارای اخلاقی و سیاسی استفاده شده است و درصدد پاسخگویی به این سؤال می باشد که میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان چقدر است.

میزان مدارای آنها در زمینه‌های مختلف نیز افزایش پیدا کرده است (18). در تحقیقی بین‌الادیانی با عنوان مدارا، عدم مدارا و گفتگوی بین دینی میزان مدارای پیروان چهار دین اسلام، مسیحیت، هندو و سیک مورد سنجش قرار داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که هندوها در مقایسه با پیروان سه دین دیگر نسبت به واقعیت‌های مورد بررسی با مدارای بیشتری برخورد می‌کنند (19). همچنین محقق دیگری نیز گزارش می‌کند که تعهد مذهبی، مدارا نسبت به جنبش‌های مذهبی¹⁴ جدید را کاهش می‌دهد (20). از جمله نظراتی که در حوزة مدارا وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نظریه آلپورت:

فرضیه آلپورت بیان می‌کند در وضعیتی خاص، برخورد با اشخاص برون گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش می‌دهد (21). آلپورت برای اولین بار نظریه برخورد را مطرح و به شرایط مورد نیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره کرد. شرایطی که آلپورت مطرح می‌کند، شامل این گزینه‌هاست:

- 1- وابستگی متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه‌ها
- 2- جایگاه برابر بین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترکشان
- 3- حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین گروهی
- 4- ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا به‌عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند (22).

نظریه موتز:

موتز نیز مانند آلپورت نشان داده است ارائه بین فرهنگی اندیشه‌های مختلف، به مدارای بیشتر افراد در کشورها منجر می‌شود؛ مدارای اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی از گروه‌های دیگر مربوط می‌شود (23).

نظریه آندرو فایلا:

آندرو فایلا مدارا را نیازمند فهم پیچیده‌ای از خود و تعهدات اخلاقی¹⁵ آن می‌داند. این واژه انگلیسی، به تعبیر او از واژه لاتینی tolerantia مشتق شده است که به معنای عمومی تحمل کردن و رنج بردن و بردباری است. چرا که مدارا به مثابه آرمانی اخلاقی، مستقیم به چیزهای منفی مربوط می‌شود. با این ریشه‌شناسی می‌توان به تعریفی کلی از مدارا دست یافت که دربردارنده سه شرط به هم مرتبط است.

بنابراین، وقتی فرد با چیزی مدارا می‌کند:

- 1- قضاوت و برداشتی منفی درباره آن دارد
- 2- می‌تواند آن را خنثی و بی‌اثر کند
- 3- می‌تواند از روی عمد از خنثی‌سازی آن خودداری کند (24).

نظریه والزر:

والزر معتقد است مدارا حتی در اکراه‌آمیزترین شکل‌های آن و بی‌ثبات‌ترین سامان‌های آن نیز بسیار مطلوب است. وی مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند و در کتاب خود، در باب مدارا، ذکر می‌کند که در گفتارهای عادی، اغلب مدارا را متضمن نابرابری می‌دانند که در آن گروه‌ها و افراد در موقعیت پست‌تر محل مدارا قرار می‌گیرند (14). با توجه به آنچه گفته شد، هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان نسبت به زرتشتیان در شهر یزد می‌باشد.

روش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و روش انجام آن پیمایش و کمی می‌باشد. ضمن اینکه برای تدوین ملاحظات نظری و سوابق تجربی تحقیق از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. جامعه آماری شامل همه افراد 16 سال به بالای ساکن شهر یزد که مسلمان هستند می‌باشد. نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران 384 نفر برآورد شد. نمونه‌گیری پژوهش از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه نیز در جدول 1 لحاظ گردیده است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن به روش محتوایی سنجیده شد و برای اطمینان از صحت، صراحت و اعتبار، سوالات آن پس از آزمون مقدماتی و رفع اشکال و نواقص و حذف تعدادی از گویه‌های نامناسب، در بین جمعیت نمونه تحقیق، شهر یزد تکمیل گردید، گویه‌های متغیرهای مدارا، تعلق درون مذهبی، وفاق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی همه خود محقق ساخته بودند و بعد از ساخته شدن و انجام پیش آزمون در یک نمونه کوچک 30 نفری اعتبار آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ مورد تأیید شد و بعد از حذف گویه‌های نامناسب توزیع گردیدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss ورژن 22 استفاده شد. میزان آلفا، برای متغیر میزان مدارا (0/896)، برای متغیر تعلق درون مذهبی (0/803)، برای متغیر وفاق اجتماعی (0/63)، برای متغیر مشارکت اجتماعی (0/726) و برای متغیر رضایت از زندگی (0/905) شده است. جهت اجرای تحقیق، شهر یزد ابتدا به پنج ناحیه شمال، جنوب، مرکز، شرق، غرب تقسیم شد و از میان این پنج منطقه پرسش‌نامه‌ها در این مناطق و خیابان‌های اصلی و فرعی بلوک‌بندی شد و نمونه‌گیری بامراجعه با به درب منازل واقع در کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی انجام گرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل فرضیات از آزمون همبستگی پیرسون، تی تک نمونه‌ای و تحلیل رگرسیون استفاده شد.



جدول 1. توزیع پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های

دموگرافیکی

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	160/41/7
	زن	224/58/3
سن	16-25	48/12/5
	26-35	87/22/7
	36-45	75/19/5
	46-55	95/24/7
	56-65	79/20/6
اشتغال	بیکار	84/21/9
	شاغل	197/51/3
	بازنشسته	68/17/7
منزلت و طبقه شغلی	سایر	35/9/1
	پایین	69/18
	متوسط	213/55/5
	بالا	102/26/6

یافته‌ها

بررسی میزان مدارا، وفاق و مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در پاسخگویان:

طبق اطلاعات جدول 2، پاسخگویان از نظر مدارای اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند. میانگین این متغیر 94/8 است که با اختلاف معنی داری بالاتر از سطح معیار آزمون است. ($\text{sig} \geq 0/05$). همین‌طور در ابعاد سه‌گانه (اجتماعی، سیاسی، اخلاقی) آن نیز این اختلاف معنی دار وجود دارد. همین‌طور سطح تعلق مذهبی با میانگین 30/08، وفاق اجتماعی با میانگین 38/5، مشارکت اجتماعی با مقدار 62/5 و رضایت از زندگی با میانگین 37/5 در سطح معنی‌داری بالاتر از معیار آزمون بود. این اختلاف معنی‌داری در همه ابعاد وفاق اجتماعی مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی مشاهده شد. با این تفاوت که تنها در بعد عام‌گرایی وفاق اجتماعی سطح میانگین با مقدار 11/7 کمتر از معیار آزمون و حد متوسط بود که حاکی از ضعف وفاق اجتماعی مسلمانان در این بعد است.

جدول 2. میزان مدارا، وفاق و مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در پاسخگویان

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	معیار آزمون	T	sig
مدارا	10	50	33/02	4/07	30	14/5	0/00
سیاسی	7	35	25/1	5/3	21	15/3	0/00
اخلاقی	11	55	36/7	4/1	33	17/6	0/00
کل	38	140	94/8	8/9	89	12/9	0/00
تعلق درون مذهبی	9	45	30/08	4/5	27	13/3	0/00
وفاق اجتماعی	4	20	11/7	1/7	12	-3/2	0/001
عام‌گرایی	7	35	26/8	5/3	21	21/3	0/00
تعهد تعمیم یافته	11	55	38/5	4/9	33	21/7	0/00
کل	8	40	25/1	4/6	24	5/05	0/00
مشارکت اجتماعی	6	30	19/7	6/4	18	5/2	0/00
رسمی	5	25	17/5	6/2	15	8/09	0/00
غیررسمی	19	95	62/5	16/4	57	6/5	0/00
خصوصی	6	30	18/4	4/5	18	2/1	0/036
کل	6	30	19/07	3/9	18	4/9	0/00
رضایت از زندگی	12	60	37/5	7/6	36	3/6	0/00

*One-Sample Test

- بررسی تفاوت مدارای اجتماعی بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی:

بین سن و جنسیت بامدارا و ابعاد سه‌گانه آن تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($\text{sig} \geq 0/05$) اما نتایج آزمون‌های تفاوت در جدول 3 نشان داد که در بعد اجتماعی مدارا، افراد بیکار با میانگین 34/3 و در بُعد سیاسی مدارا سایر وضعیت‌های شغلی (غیربیکارین، شاغلین و بازنشسته‌ها) با میانگین

27/6 در سطح معنی‌داری نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. ($\text{sig} \leq 0/05$) در بعد اخلاقی و مدارای کل تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همین‌طور در بعد اخلاقی نیز افراد در طبقات و منزلت بالاتر با میانگین 37/8 نسبت به طبقات متوسط و پایین‌تر از مدارای بیشتری برخوردارند و این اختلاف به لحاظ آماری معنی‌دار است. ($\text{sig} \leq 0/05$)

جدول 3. بررسی تفاوت مدارای اجتماعی برحسب متغیرهای دموگرافیکی

متغیر وابسته	مدارای اجتماعی			مدارای سیاسی			مدارای اخلاقی			مدارای (کل)		
	میانگین	f/t	sig	میانگین	f/t	sig	میانگین	f/t	sig	میانگین	f/t	Sig
جمعیت												
شناختی												
جنسیت	مرد	32/9	0/19	0/8	24/9	0/55	0/5	36/8	0/44	0/6	94/7	0/21
	زن	33/05			25/2			36/6			94/9	
سن	16-25	33/5	2/3	0/057	25/6	0/67	0/6	36/5	0/9	0/4	95/6	1/08
	26-35	33			24/8			36/4			94/3	
	36-45	32/6			24/5			36/1			93/3	
	46-55	33/8			25/2			36/8			95/9	
	56-65	32/1			25/6			37/3			95/1	
وضعیت اشتغال	بیکار	34/3	3/9	0/009	24/2	3/4	0/01	36/6	2/06	0/1	95/2	2/4
	شاغل	32/7			25/2			36/8			94/8	
	بازنشسته	32/4			24/6			35/7			92/9	
	سایر	32/4			27/6			37/7			97/8	
منزلت و طبقه شغلی	پایین	33/6	1/3	0/2	24/2	2/05	0/1	35/9	5/6	0/004	93/8	1/9
	متوسط	33			25/1			36/3			94/5	
	بالا	32/6			25/8			37/8			96/3	

- آزمون همبستگی مدارای و ابعاد آن با متغیرهای مستقل (تعلق درون مذهبی، وفاق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، رضایت از زندگی):

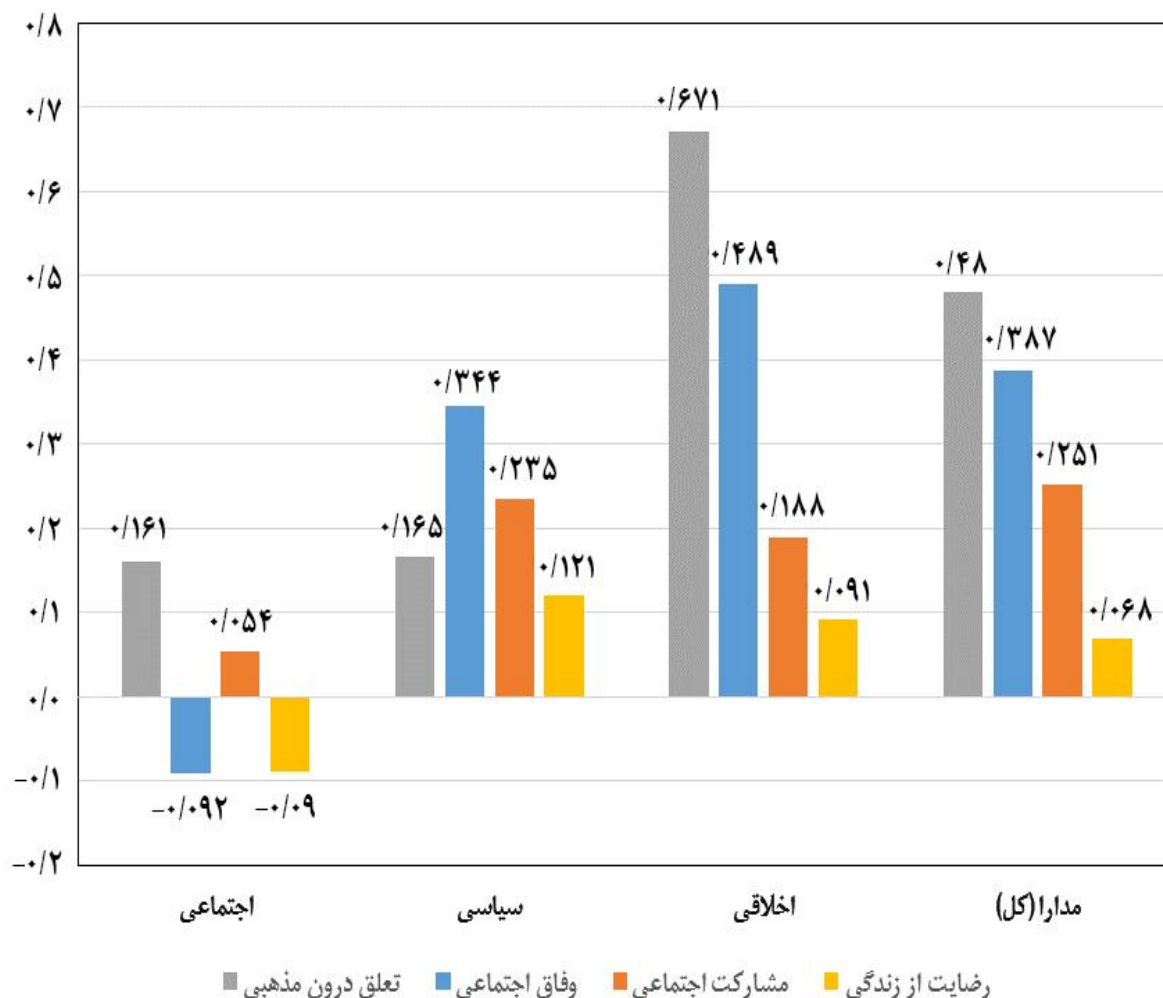
بررسی آزمون همبستگی حاکی از آن است که بین تعلق مذهبی و مدارای در سه بعد آن همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ($\text{sig} \leq 0/05$) مقدار همبستگی کلی این دو متغیر 0/48 است که نشان می‌دهد با افزایش تعلق مذهبی فرد میزان مدارای وی نیز افزایش می‌یابد. وفاق اجتماعی نیز میزان مدارای را در بعد تعهد تعمیم یافته به طور معنی داری افزایش می‌دهد. ($\text{sig} \leq 0/05$) مقدار این همبستگی در این بعد 0/397 است اما در بعد عام‌گرایی این همبستگی با میزان 0/11- منفی است و رابطه معکوس این بعد وفاق اجتماعی را با مدارای نشان می‌دهد. این همبستگی منفی در دو بعد اجتماعی و سیاسی نیز مشاهده می‌شود اما در بعد اخلاقی همبستگی مثبتی وجود دارد.

مشارکت اجتماعی نیز همبستگی مثبت و معنی داری با مدارای دارد. ($\text{sig} \leq 0/05$) میزان این همبستگی 0/251 است و در همه ابعاد بجز بعد اجتماعی مشاهده می‌شود. همبستگی این بعد تنها با بعد رسمی مشارکت با مقدار 0/117 مثبت و معنی دار است ($\text{sig} \leq 0/05$) اما با سایر ابعاد غیر رسمی و خصوصی مشارکت همبستگی معنی داری ندارد. بین مدارای با رضایت از زندگی نیز به‌طور کلی با مقدار همبستگی 0/068 رابطه معنی داری مشاهده نشد و رضایت از زندگی در بعد خصوصی همبستگی معنی داری با هیچیک از ابعاد مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی ندارد ($\text{sig} \geq 0/05$) اما همبستگی مدارای اجتماعی با رضایت اجتماعی و ابعاد آن منفی و در بعد اجتماعی رضایت با میزان 0/136- معنی دار است. همین‌طور مدارای سیاسی و اخلاقی با بعد اجتماعی رضایت به‌ترتیب با میزان 0/239 و 0/143 همبستگی مثبت و معنی داری دارند.

جدول 4. آزمون همبستگی مدارا و ابعاد آن با متغیرهای مستقل

متغیر		مدارای اجتماعی		مدارای سیاسی		مدارای اخلاقی		مدارای کل	
		sig	*R	sig	*R	sig	*R	sig	*R
تعلق درون مذهبی	وفاق اجتماعی	0/002	0/161	0/001	0/165	0/000	0/671	0/00	0/48
	عام گرایی	0/12	-0/079	0/00	-0/252	0/001	0/165	0/03	-0/11
	تعهد تعمیم یافته	0/24	-0/06	0/00	0/402	0/00	0/401	0/00	0/397
مشارکت اجتماعی	رسمی	0/07	-0/092	0/00	0/344	0/00	0/489	0/00	0/387
	غیررسمی	0/022	0/117	0/02	0/112	0/01	0/123	0/001	0/176
	خصوصی	0/46	0/037	0/00	0/214	0/002	0/159	0/00	0/218
رضایت از زندگی	کل	0/7	0/019	0/00	0/316	0/00	0/239	0/00	0/307
	خصوصی	0/2	0/054	0/00	0/235	0/00	0/188	0/00	0/251
	اجتماعی	0/3	-0/051	0/9	0/002	0/5	0/034	0/8	-0/007
کل	اجتماعی	0/01	-0/136	0/00	0/239	0/01	0/143	0/008	0/146
	کل	0/07	-0/09	0/03	0/121	0/1	0/091	0/21	0/068

* Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed).



نگاره 1. میزان همبستگی مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و کل با متغیرهای مستقل

می شود از مجموع متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی به ترتیب تأثیر پنج متغیر تعلق درون مذهبی با ضریب بتای 0/23، تعهد تعمیم

تحلیل و پیش بینی تغییرات مدارای اجتماعی توسط رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام انجام شد. همان طور که در جدول 5 مشاهده

نیز برای تبیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر میزان مدارای اجتماعی برابر 55/4 با سطح معناداری 0/00 به‌دست آمد که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی تبیین شده، طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی و معنادار است.

یافته با ضریب بتای 0/16 مشارکت خصوصی با ضریب بتای 1/01، رضایت از زندگی در بعد خصوصی با ضریب 1/3 و مشارکت رسمی با ضریب 0/5 در مدل باقی ماندند. ضریب همبستگی این متغیرها با مدارای اجتماعی برابر با $R=0/625$ و ضریب تعیین برابر با 0/46 و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با 0/45 به‌دست آمده که این ضرایب بیانگر آنست که حدود 45 درصد از واریانس متغیر وابسته در معادله رگرسیونی توسط این متغیرها تبیین می‌شود، همچنین مقدار آزمون F

جدول 5. نتیجه رگرسیون چند متغیره جهت تعیین عوامل تبیین کننده میزان مدارای اجتماعی کلی

Collinearity Statistics		sig	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب خام		متغیرهای مستقل
VIF	Tolerance			Beta	Std. Error	B	
-	-	0/00	23/4	-	3/5	84/09	(Constant)
1/4	0/69	0/00	4/7	0/23	0/09	0/46	تعلق درون مذهبی
2	0/49	0/00	-2/7	-0/16	0/09	-0/26	تعهد تعمیم یافته
5/9	0/16	0/00	10/1	1/01	0/14	1/4	مشارکت خصوصی
9/7	0/10	0/00	-10/5	-1/3	0/25	-2/6	رضایت خصوصی
4/7	0/21	0/00	6/4	0/5	0/17	1/09	مشارکت رسمی
Durbin-Watson		sig	F	Adjusted R Square	R Square	R	تعداد متغیرهای وارد شده
1/5		0/00	55/4	0/45	0/46	0/682	9

اخلاقی همبستگی مثبتی مشاهده شد، به این معنی که هرچه فرد بیشتر اهل وفاق اجتماعی باشد میزان مدارای اخلاقی وی نیز در برخورد با دیگر اقلیت‌های دینی بیشتر می‌شود، بین مدارای اخلاقی و مشارکت اجتماعی نیز همبستگی مثبت و معناداری مشاهده شد، هرچه افراد مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشند و در مسائل مختلف اجتماعی با دیگران مشارکت و همکاری داشته باشند میزان مدارای اخلاقی آنان نیز بیشتر میشود، بین تعلق مذهبی و مدارا در سه بعد آن همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود، تحقیقات همسو مرتبط با این نتیجه یافت نشد، با توجه به حساسیت موضوع و تعصبات مذهبی افراد پیشنهاداتی مطرح میشود، برای اتکا به نتایج این پژوهش لازم است این پژوهش درمورد اقلیت‌های مذهبی دیگر نیز انجام گردد، همچنین این پژوهش را با متغیرهای کیفی نیز باید انجام داد تا به نتایج بهتری دست یافت، علاوه براین لازم است تحقیق و مقایسه تطبیقی نیز در این زمینه صورت بگیرد و متقابلاً میزان مدارا و اخلاق اجتماعی زرتشتیان به مسلمانان نیز سنجیده شود و مقایسه گردد، بر سر راه هر تحقیق و پژوهش علمی مشکلاتی وجود دارد که تا حدی ممکن است محقق را در تگنا قرار دهد، در واقع محدودیت‌ها آن دسته از عواملی هستند که در مسیر جمع‌آوری اطلاعات و کسب نتایج مطلوب مانع ایجاد می‌کند، از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم تمایل برخی افراد به دلیل تعصبات مذهبی جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه بود.

بحث

پاسخگویان از نظر مدارا در سطح بالایی قرار دارند که در همه ابعاد سه‌گانه (اجتماعی، اخلاقی، سیاسی) این اختلاف معنی‌دار است، این نشان‌دهنده این است که مسلمانان در شهر یزد نسبت به زرتشتیان رفتاری مسالمت‌آمیز دارند و در روابط خود مدارا و اخلاق اجتماعی را رعایت می‌کنند، طبق دیدگاه برخی صاحب‌نظران (24) مدارا نیازمند تعهدات اخلاقی است، که به‌معنای فضیلت و ویژگی اعمال بردبارانه است. دیدگاه برخی صاحب‌نظران (13) نیز تاییدکننده این نتیجه می‌باشد، وی مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند، در واقع مسلمانان با زرتشتیان که از فرهنگ و دینی متفاوت هستند مدارا و همزیستی دارند که با نتایج تحقیق دومینیک همسو می‌باشد.

بین سن و جنسیت با مدارا و ابعاد سه‌گانه آن تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد همین‌طور در بعد اخلاقی نیز افراد در طبقات و منزلت بالاتر نسبت به طبقات متوسط و پایین‌تر از مدارای بیشتری برخوردارند و این اختلاف به لحاظ آماری معنی‌دار است، درواقع می‌توان گفت زمانی که فرد منزلت بالاتری دارد برای اینکه این منزلت را حفظ کند و موقعیت خود را از دست ندهد نیازمند این است که با همه افراد رفتاری مسالمت‌آمیز داشته باشد و مدارا و اخلاق اجتماعی را رعایت کند، نظریه فایلا مؤید این امر هست (24)، افراد در روابط و برخورد خود با دیگران نیازمند تعهدات اخلاقی هستند، بین وفاق اجتماعی و مدارا در بعد



References

1. Afrasiabi H, Jahangiri J. (2011). The families of the city in terms of causes and consequences Toleration. *Journal of Applied Sociology*; 22 (3) 153-175. (In Persian).
2. Jandron S. (2000). *Tolerance history of Ideas West*. Translated by: Bagheri A. (2003). Tehran: Ney Publication. p. 295. (In Persian).
3. Gholaminiya A. (2010). The effect of man, s self-knowledge on citizen ship ethic. *Religion Anthropology*; (21, 22):161-171. (In Persian).
4. Etemadi H, Sepasi S, Boshagh M. (2016). Business ethics, social responsibility and corporate performance. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3): 107-115. (In Persian).
5. Jafari T, Hasangholipur T, Alaei H. (2016). Ethical leadership on project-based environment. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3):116-124. (In Persian).
6. Abedi Sarvestani A. (2016). Moral idealism and attitude to animal. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3): 21-28. (In Persian).
7. Khodamoradi E, Hajiha Z. (2016). The role of ethical culture in organizational performance. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3):125-130. (In Persian).
8. Gurdun A. (2001). *Religion and prejudice*. Translated by: Shahrokni N. (2003). Tehran: Kian Publication. Pp. 59-65. (In Persian).
9. Serajzade H, Shariati S, Saber S. (2005). Investigate the relationship between the religion and its social tolerance. *Journal of Social Sciences*; (4) 109-142. (In Persian).
10. Bahmanpur S. (2000). *Social tolerance, respect of cultural syndrome*. [MSC thesis]. Tehran: University of Shahid Beheshti. (In Persian).
11. Afshani A. (2003). *Examine how political tolerance in student organizations*. [MSC thesis]. Tehran: University of Alame Tabatabaei. (In Persian).
12. Galeotti AE. (2001). Do we need toleration as a moral virtue? *Res Public*; (6): 273-292.
13. Valers M. (2005). *tolerance*. Translated by: Najafi S. (2006). Tehran: Shiraze. p. 232. (In Persian).
14. Chalapi M. (1994). Social cohesion. *Journal of Social Science*; 3 (6) :15-28. (In Persian).
15. Noruzi F, Bakhtiari M. (2010). Social participation and factors affecting it. *Journal of Strategy*; 18 (53): 249-269. (In Persian).
16. Hezarjaribi J, Safarishali R. (2010). Study of life satisfaction and sense of security in its place. *Journal of Social Regulation*; 1 (3) :7-28. (In Persian).
17. Sharepur M, Azadarmaki T, Asgari A. (2010). Explore the relationship between social capital and tolerance among students. *Journal of the Iranian Sociological*; 10 (1) 64-98. (In Persian).
18. Asgari A, Sharepur M. (2010). Typology and measurement tolerance among students of school of social sciences of Tehran University and

نتیجه گیری

به طور کلی میزان مدارا و اخلاق اجتماعی مسلمانان در شهر یزد که اکثریت را تشکیل می دهند با زرتشتیان که از اقلیت می باشند در سطح بالایی قرار دارد و افراد از زندگی در کنار هم مشکلی ندارند و روابطی مسالمت آمیز با یکدیگر دارند، این مسئله حائز اهمیت هست که افراد در عرصه اجتماع به عقاید یکدیگر احترام بگذارند و همه خود را هم نوع بدانند و اختلاف مذهبی را مسأله ای برای درگیری و شورش ندانند، همان طور که قبلاً ذکر گردید نتایج تحقیق حاکی از مدارا و روابط مسالمت آمیز بین مسلمانان و زرتشتیان در شهر یزد می باشد. رفتار مسالمت آمیز زیربنای انسجام اجتماعی می باشد، زمانی که پیوستگی های عاطفی و اخلاقی بین افراد و گروه ها شکل بگیرد، عاطفه جمعی نیز زیاد می شود و نوعی غرور جمعی به وجود می آید که در آن افراد از هر گروه و مذهبی که باشند منافع خود و دیگران را یکی دیده و خود را متعلق به جمع می دانند. وجود مدارا و اخلاق اجتماعی موجب افزایش همبستگی و اتحاد بین مسلمانان و زرتشتیان می شود که در پی آن تساهل اخلاقی و رفتار مسالمت آمیز بین افراد شکل می گیرد.

ملاحظه های اخلاقی

در مقاله حاضر، با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است. همچنین محقق تمام توان خود را به کار گرفت تا وظایف اخلاقی خود را در برابر مشارکت کنندگان نیز انجام دهد.

سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله از تمامی پاسخگویانی که با تکمیل پرسشنامه، اجرا کنندگان این تحقیق را یاری کردند، کمال امتنان و تشکر را دارند.

واژه نامه

1. Social ethics	اخلاق اجتماعی
2. Moral tolerance	تساهل اخلاقی
3. Tolerant	مدارا
4. Moral virtue	فضیلت اخلاقی
5. Moral tolerance	مدارای اخلاقی
6. Social cohesion	وفاق اجتماعی
7. Life satisfaction	رضایت از زندگی
8. Religious affiliation	تعلق مذهبی
9. Collective affection	عاطفه جمعی
10. Social participation	مشارکت اجتماعی
11. Quality of life	کیفیت زندگی
12. Social tolerance	مدارای اجتماعی
13. Social capital	سرمایه اجتماعی
14. Religious movement	جنبش های مذهبی
15. Ethical obligation	تعهدات اخلاقی



22. Adibi M, Rastegar Y, Beheshti S. (2013). Of social tolerance. Journal of Social Welfare; (50) 353-376. (In Persian).
23. Mutz D. (2002). Cross-cutting social networks: Testing democratic theory in practice. American Political Science Review; 96 (1) :111-26
24. Fiala A. (2005). Tolerance and the ethical life. London: Continuum Publication.
- Allameh Tabatabaei. Journal of Cultural Research; 2 (8) 1-34. (In Persian).
19. Diominic, E. (1993): Tolerance, intolerance & inter-religious dialogue. Inter-Religious Dialogue; (23):15-29.
20. Odonnel JP. (1993). Predicting tolerance of new religious movements: A multivariate analysis, Journal for the Scientific Study of Religion; 23 (4): 356-65.
21. Quintelier E. (2008). Does european citizenship increase tolerance in young people? European Union Politics; 9 (3): 339-362.